

## رسول پویان

### هند و پاکستان

اگر پنجاب دیو و طالب جلاد می سازد  
دل دهلی فرشته حور مادر زاد می سازد  
میان هند و پاکستان دیدم آنقدر توفیر  
یکی ویران کند مُلک و دیگر آباد می سازد  
نشستیم در پلاس غم ز جور و کین همسایه  
ولی لطف و سخای هند ما را شاد می سازد  
ز پاکستان نخیزد جز سموم ذهن افراطی  
فقط فوج ترور و ظلم و استبداد می سازد  
به جز عشق تمدن از دل هندی نمی خیزد  
نوای نو ز کلک خسرو و بهزاد می سازد  
ز گنداب مدارس انتحاری می کند فوران  
بیابنگر که دهلی فاضل و استاد می سازد  
اگر آتش به بنیاد طبیعت می زند طالب  
هری با سد سلما سنبل و شمشاد می سازد  
ز هندوستان هنر آید، ز کینه فوج پاکستان  
برای قتل مردم خنجر فولاد می سازد  
برای ساختن افغانستان هندی کند کوشش  
ولی اردوی پاکستان همه برباد می سازد  
وطن را می کشد در بند استبداد، پاکستان  
بیا بنگر که هندی از ستم آزاد می سازد  
به دزد از گلوی مردم ما نان، پاکستان  
ولی هندی غذا و مرهم و امداد می سازد  
خدا خصم وطن را خوار گرداند در عالم  
محبان وطن را سرفراز و راد می سازد